

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)  
دوره ۱۵، شماره ۵۶، تابستان ۱۴۰۲، صص ۲۶۶-۲۸۵  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲  
(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2021.1921862.2191](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1921862.2191)

## بررسی گونه‌شناسی پیمان و بازنمایی کارکردهای آن در خمسه نظامی گنجوی

سمانه وطن‌دوست<sup>۱</sup>، دکتر حسن بساک<sup>۲</sup>، دکتر رضا اشرف‌زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

خمسه نظامی گنجوی شامل مجموعه‌های متنوعی در انواع ادب غنایی، عرفانی، اخلاقی و ... است. شاعر در هر یک از منظومه‌ها به فراخور درک و بینش مخاطب به مسائلی پرداخته و بخشی از باورها و آیین‌های جامعه بشری به ویژه ایرانیان را شرح داده است. یکی از این آداب، عقد پیمان و سوگند یاد کردن ضمن آن است که در ساختار فکری نظامی، گاهی جنبه‌ای دوجبه‌ای دارد و گاهی در سطح روساخت متوقف می‌شود. در پژوهش حاضر با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، انواع پیمان و کارکردهای آن در خمسه نظامی کاویده و بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در یک نگاه کلی، پیمان‌ها به دو دسته مکتوب و غیرمکتوب تقسیم می‌شوند. نوع مکتوب آن، شامل پیمان‌های سیاسی-امنیتی و پیوند زناشویی است. نوع غیرمکتوب زیرشاخه‌هایی دارد که عبارت است از: پیمان‌های اخلاقی (رعایت آزر و وفاداری)، شهریاری، انگیزشی، همکاری، صلح و انقیاد، زینهارخواهی، الهی، رازگویی و وفاداری به شاه. تنوعی که در این دسته‌بندی وجود دارد، تأیید می‌کند که پیمان در خمسه نظامی، صرفاً امری اجتماعی نیست و مقوله‌های شناختی و معرفتی، اخلاقی و تعلیمی، سیاسی و امنیتی، دینی و اعتقادی و ... با آن ارتباط دارد.

**کلیدواژگان:** نظامی گنجوی، خمسه، پیمان، سوگند، انواع و کارکردها.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

samanehvatanoustd@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

bassak@pnu.ac.ir

<sup>۳</sup> استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

dr.reza.ashraafzadeh@gmail.com



## مقدمه

خمسه نظامی مجموعه‌ای متنوع از آثار غنایی، عرفانی، تعلیمی و داستانی است و شاعر در این منظومه‌ها آراء گوناگون خود را به همراه بخش قابل توجهی از باورهای جامعه ایرانی بازتاب داده است. یکی از نشانه‌های فرهنگ اجتماعی، عقد پیمان‌های مختلف و سوگند خوردن ضمن آن است که در مواردی، آداب و رسوم مربوط به خود را دارد. نظامی در خمسه بارها به این مقولات اشاره کرده است که این اشارات در دو سطح ظاهری و ژرف‌ساخت نمودار شده‌اند. هدف نظامی از بازگفت پیمان‌ها و سوگندها در اثنای منظومه‌ها افزون بر وفاداری به اصل روایت‌های تاریخی، بازنمایی و تبیین برخی اغراض ثانویه غیرروایی بوده است. بنابراین، در چهارچوب فکری شاعر، پیمان پدیده‌ای صرفاً اجتماعی نیست و ابعاد دیگری برای آن قابل تصور است. پیمان‌ها در خمسه با موضوعات گوناگون ارتباط دارد و گاهی سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده است. به این دلیل که در غالب پیمان‌ها سوگند یاد می‌شود، در این تحقیق، این دو مفهوم با هم بررسی شده است. هدف اصلی مقاله حاضر، پرداختن به وجوه روساختی و محتوایی پیمان و سوگند در خمسه است. مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق این است که انواع پیمان و مهم‌ترین کارکردهای آن در خمسه نظامی چیست و با چه مفاهیم دیگری پیوند خورده است؟ آنچه به تحقیق حاضر ضرورت می‌بخشد این است که نظامی شاعری برجسته و کمال‌یافته است. او تراوش‌های ذهنی و جهان‌بینی خود را در آیینه آثارش بازتاب داده و با کاربست شیوه‌های گوناگون، آن را با مخاطبان‌ش به اشتراک گذاشته است. از این رو، پرداختن به منظومه فکری شاعر به ویژه در ارتباط با مقولات پیمان و سوگند، در پی بردن به کیفیت اندیشه او اثرگذار است. افزون بر این، بخشی از فرهنگ جامعه بشری از جمله ایرانیان و آداب مرتبط با آن را تشریح می‌کند.

## پیشینه تحقیق

تاکنون در هیچ پژوهشی به بررسی کارکردهای پیمان و انواع آن در خمسه نظامی گنجوی پرداخته نشده است. این خلأ پژوهشی ابعاد نوآورانه مقاله حاضر را برجسته می‌کند و بر اهمیت دستاوردهای آن می‌افزاید. با این حال، در چند پژوهش به مفهوم پیمان در متون ادبی فارسی به ویژه شاهنامه فردوسی اشاره شده است: رحیمی و پناهی (۱۳۸۶) در مقاله خود به پیمان و وفای به عهد در شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند. حسام‌پور و دهقانی (۱۳۸۷) در مقاله خود،

گونه‌های پیمان و سوگند را در شاهنامه فردوسی کاویده‌اند. جلالی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای از پژوهش‌های فرهنگی پیمان و الزام به رعایت آن در شاهنامه و متون اوستایی و پهلوی سخن گفته است. دشتی و رضایی (۱۳۹۸) به ساختار پیمان‌ها در آثار حماسی و پیوند آن با باورهای اسطوره‌ای و دینی پرداخته‌اند و این آیین را با باورهای مهری مشابه دانسته‌اند.

شایان ذکر است نتایجی که در مقاله حاضر به دست آمده، متفاوت از دستاوردهای پژوهشگران در تحقیقات یادشده است و جنبه‌ای موردی و جزئی‌نگر دارد. همچنین، در این تحقیق، صرفاً به دسته‌بندی پیمان‌ها بسنده نشده و کارکردهای آن نیز، کاویده شده است.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است. جامعه آماری تحقیق، خسته نظامی گنجوی و حجم نمونه، ابیات مرتبط با سوگند و پیمان است. پیش از ورود به بحث اصلی، توضیحاتی درباره‌ی واژه‌های سوگند و پیمان ارائه شده است. سپس، دسته‌بندی کلی از انواع پیمان در خسته انجام شده و ذیل هر دسته، موارد مرتبط جای گرفته است. در گام بعدی، ابیات مستخرج تحلیل شده و اغراض شاعر از برجسته‌سازی مقوله وفای به عهد و یاد کردن سوگند بازنمایی گردیده است.

### مبانی تحقیق

#### پیمان

این اصطلاح در فرهنگ ایران باستان اهمیت ویژه‌ای داشته است، به طوری که «حتی اهریمن به این دلیل که در آغاز آفرینش پیمان می‌بندد، توانایی سرتافتن از آن را ندارد» (آموزگار، ۱۳۷۹: ۱۳). این مقوله به عنوان سنجه‌ای برای تشخیص انسان‌های نیکوسرشت از بدخصال شناخته می‌شود. کسانی که پایبند به پیمان باشند، در شمار نیروهای اهورایی قرار می‌گیرند و کسانی که پیمان‌شکن باشند، با پادافراه سختی مواجه می‌شوند. در تعریف پیمان گفته‌اند «قراردادی است که دو یا چند تن می‌گذارند تا کاری انجام دهند یا تعهدی نسبت به هم یا به کسی داشته باشند» (انوری، ۱۳۸۱: ذیل مدخل پیمان). مفهوم پیمان در فرهنگ بشری، اصلی مهم و ستوده به شمار می‌رود. به طوری که «اساس تمام زندگی نظام‌یافته در کیهان، در دین و جامعه است. با مراعات پیمان، مردم با هم پیوستگی می‌یابند و دروغ مغلوب می‌گردد» (هینلز، ۱۳۸۵: ۱۲۴) و مناسبات انسانی از استحکام افزون‌تری برخوردار می‌شود. «بنا بر باورهای کهن در پیمان نیرویی سترگ و

جادویی وجود دارد، همانند نیروی جادویی کلام مقدس (مانسر سپند)» (آموزگار، ۱۳۹۰: ۳۸۶). در میان ایرانی‌ها و هندیان، میترا و در میان یونانیان، زئوس به عنوان خدای پیمان شناخته می‌شود.

### سوگند

این واژه ریشه‌ای پارسی دارد و در اوستا به ریخت «سئوکتته» ذکر شده که احتمالاً سوده گوگرد یا ماده دیگری بوده است. این ماده را در آب حل می‌کردند و به مدعیان پیمان‌شکنی می‌نوشتند. اصطلاح سوگند خوردن به این اعتبار متداول شده است. آیین سوگند، داوری خدایی است و خدایان میان دو گروه مدعی داوری می‌کنند. این باور ریشه در فرهنگ ایرانیان و دیگر ملت‌ها دارد (ر.ک: رضی، ۱۳۸۱: ۷۸). سوگند در لغت به معنی اعترافی است که شخص از روی شرف و ناموس خود بیان می‌دارد و خدا یا بزرگی را شاهد می‌گیرد (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل مدخل سوگند). آیین سوگند خوردن معمولاً «برای بیان تأکید، درخواست چیزی، اثبات بی‌گناهی، اثبات ادعا، بیان تفاجر، تأیید سخن، اصرار، نفی مطلب، تهدید و هشدار و برای دعا و طلب از خداوند و بیان تسلیم، سوگند یاد می‌شده است» (کیانی، ۱۳۷۱: ۳۰).

### بحث

عهد و پیمان در ساختار فکری نظامی گنجوی اهمیت ویژه‌ای دارد. شاعر در داستان‌های گوناگون از خمسه بارها به این مقوله مهم پرداخته و ابعاد متنوعی از پایبندی به پیمان را تبیین و بازنمایی کرده است. او از زبان شخصیت‌های داستان، برخی از آراء خود را تشریح کرده است. از دید او، مردم صاحب‌نظر، خوش‌عهدی را اصلی پسندیده می‌دانند و بر انجام آن تأکید می‌ورزند. عهدی که همراه با وفاداری باشد، موجب تعالی و رشد انسان می‌شود. از این‌رو، مخاطبان خود را به کوشش برای رعایت پیمان‌داری دعوت می‌کند و آنها را از عواقب عهدشکنی برحذر می‌دارد. همچنین، نظامی پایبندی به پیمان را یکی از ویژگی‌های شاه آرمانی می‌داند و بر آن تأکید می‌ورزد.

نیست بر مردم صاحب‌نظر	خدمتی از عهد پسندیده‌تر
دست وفادار کمر عهد کن	تانشوی عهدشکن جهد کن
(نظامی، ۱۳۲۰: ۱۱۱)	
ششم عهد و پیمان نگهداشتن	وفاداری از ییاد نگذاشتن

(نظامی، ۱۳۱۶: ۵۷)

### انواع پیمان در خمسه نظامی گنجوی

نظامی در خمسه به دو نوع پیمان اشاره کرده است. برخی از پیمان‌ها مکتوب و رسمی‌اند و در قالب اسناد رسمی تهیه و تنظیم شده‌اند که غالباً بیانگر پیوندهای سیاسی میان دو کشور و یا مناسبات زناشویی هستند. برخی از پیمان‌ها نیز، برآمده از فرهنگ عامه هستند و به صورت قراردادی و در قالب کلام، میان افراد شکل گرفته‌اند. در خمسه، تنوع و شمار میثاق‌های غیرمکتوب و شفاهی از نوع نوشتاری آن افزون‌تر بوده است. در ادامه بر اساس ابیات به دست آمده از شرف‌نامه، اقبال‌نامه، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت‌پیکر و مخزن‌الاسرار، انواع پیمان‌های مکتوب و غیرمکتوب و کارکردهای اصلی آن بررسی و کاویده می‌شود.

#### پیمان مکتوب

در خمسه نظامی، دو مورد پیمان مکتوب منعکس شده که عبارت است از: پیمان سیاسی-امنیتی و پیمان پیوند زناشویی. این میثاق‌ها جنبه بین‌المللی و بین‌افردی دارند. بنابر دسته‌بندی مذکور، اهمیت نوشتاری شدن پیمان‌ها در ابعاد مختلف زندگی بشری هویدا می‌شود.

#### پیمان سیاسی-امنیتی

هنگامی که خاقان چین، بهرام گور را مشغول لُهو و لعب می‌بیند، بر اساس اطلاعاتی که جاسوسان به او می‌دهند، تصمیم به حمله می‌گیرد. خاقان چین پس از ورود به مرزهای ایران، از سوی سپاهیان ایران و بهرام گور غافلگیر و دستگیر می‌شود. پس از این شکست، عهدنامه جدیدی میان دو کشور منعقد می‌شود. نظامی در اثنای روایت خود به قرارداد پیشین دو ملت و پیمان‌شکنی چینیان اشاره کرده است. او چینی‌ها را مردمانی بدعهد و بی‌وفا می‌داند و تلویحاً لشکرکشی آنها به مرزهای ایران را هنگام پیمان صلح، نکوهش می‌کند.

گفت باز از نگارخانه چین	جوش لشکر گرفت روی زمین
ماند پیمان شاه را فغفور	شد دگر ره ز نیک‌عهدی دور
چینیان را وفا نباشد و عهد	زهرناک اندرون و بیرون شهد
لشکری تیغ برکشیده به اوج	تا به جیحون رسیده موج به موج

(نظامی، ۱۳۱۵: ۳۱۵)

هنگامی که اسکندر راهی چین می‌شود و آن سرزمین را فتح می‌کند، شاه چین با او از در صلح درمی‌آید و پیمانی میان آنها منعقد می‌گردد. در روایت نظامی اشاره می‌شود که بر اساس مفاد این عهدنامه، خاقان چین متعهد می‌شود بر اساس دین و آیین مورد نظر شاه مقدونی رفتار کند و آن را در سراسر مرزهای خود گسترش دهد. بر پایه این پیمان، جدای از اهداف سیاسی اسکندر، نشانه‌هایی از بسترها و انگیزه‌های دینی و اعتقادی در ماهیت این لشکرکشی قابل مشاهده و ردیابی است. موضوع دیگر، مذاکره دو شاه درباره کشورهای دیگر، ضمن این میثاق است که می‌تواند در پی بردن به منش سیاسی شاهان پیشین مؤثر باشد.

نشستند کشورخدایان بهم  
سخن شد ز هر کشوری بیش و کم  
پس آنکه شد روزگاری دراز  
همه عهدها تازه کردند باز  
پذیرفت خاقان ازو دین او  
درآموخت آیات و آیین او  
(نظامی، ۱۳۸۸: ۲۰۳)

در لشکرکشی اسکندر به هند، هنگامی که شاه مقدونی تصمیم می‌گیرد این کشور را ضمیمه قلمرو خود کند، با پیشنهادی از جانب شاه هند مواجه می‌شود. او به اسکندر اعلام وفاداری می‌کند و قدرتش را به رسمیت می‌شناسد و در عوض، اسکندر حکومت شاه هند را تأیید می‌کند و با ابقای وی در منصب کنونی‌اش موافقت می‌نماید. این پیمان که تلاشی برای حفظ حکومت و پادشاهی است، با ترفندهای سیاسی شاه هند و میانجیگری بزرگان این کشور صورت می‌گیرد و در نهایت، به واسطه تدبیر گروه مذاکره‌کننده، پیمان ابقای حکومت منعقد می‌شود. در این روایت از شرفنامه نظامی گنجوی، اهمیت گفتگو و محترم شمردن حقوق یکدیگر در پیمان‌های بین‌المللی بازنمایی شده است.

ز پیران هندو یکی نام‌دار  
فرستاد با قاصد شهریار  
بدین شرط پیمانی انگیخته  
سخن چرب و شیرین برآمیخته  
فرستادگان بازگشتند شاد  
همان قاصد پیر هندونژاد  
سوی درگه شهریار آمدند  
در آن باغ چون گل به بار آمدند  
چو هندو سرپرده شاه دید  
مه خیمه بر خیمه ماه دید  
درآمد زمین را به تارک برفت  
پیامی که آورد با شاه گفت  
چو پیشینه پیغام‌ها گفته شد  
سخن راند از آنها که پذیرفته شد  
(نظامی، ۱۳۱۶: ۳۵۲-۳۵۱)

### پیمان پیوند زناشویی

در ایران باستان و متونی که از آن دوران بجا مانده، از پیمان زناشویی با عنوان «پیمان کدخدایی» یاد شده است (ر.ک: عریان، ۱۳۷۸: ۴۹). نوشتاری بودن این میثاق نشان می‌دهد که نهاد خانواده در میان ایرانیان از ارج و قرب ویژه‌ای برخوردار بوده است. به طوری که برای حفظ پایه‌های آن و نیز، جلوگیری از مشکلات دیگر، از ابتدا توافقات طرفین را مکتوب می‌کردند. «تأکید کلی متون گذشته در مبحث اخلاقی زناشویی بر این است که زن و شوهر می‌بایست یکدل و یکروی باشند و با وصلت و وحدتی به طور یقین‌قرین اخلاق، زندگی کنند» (بازرگان و خادم ازغدی، ۱۳۹۲: ۱۳۶). این پیمان در فرهنگ ایرانی به قدری دارای اعتبار است که اسکندر مقدونی هنگام ازدواج با روشنگ طبق سنت قوم مغلوب عمل می‌کند و این پیمان را به رسمیت می‌شناسد و به آن تن می‌دهد. نظامی از این پیمان با عنوان «رسم کیان» یاد کرده است تا نشان دهد که تنها بزرگ‌منشان و افراد دارای اصل و نسب، این پیمان را محترم می‌شمرده‌اند. به عبارت دیگر، در فرهنگ ایرانیان باستان، اجرای پیمان کدخدایی یکی از نشانه‌های بزرگی بوده است.

جهان‌جوی بر رسم آبای خویش      پری‌زاده را کرد همتای خویش  
 به رسم کیان نیز پیمان گرفت      وفا در دل و مهر در جان گرفت  
 در آن بیعت از بهر تمکین او      به ملک عجم بست کابین او  
 (نظامی، ۱۳۱۶: ۲۴۵)

در ماجرای عاشقانه‌ای که میان خسرو پرویز، شاه ساسانی و شیرین، شاهدخت رومی روی می‌دهد، شاهد نشانه‌ای از پیمان زناشویی هستیم. خسرو که در اندیشه تصاحب شیرین است و قصد دارد با او پیوند زناشویی برقرار کند، چند آیین مهم را بجای می‌آورد که عبارتند از: سوگند یادکردن، بستن پیمان و تهیه کاوین در حضور بزرگان. آنچه در لایه‌های زیرین شعر زیر نمود دارد، اهمیت مقوله ازدواج و الزام رعایت سلسله‌مراتب آن برای عالی‌ترین سطوح قدرت سیاسی است. به این معنا که شاهان نیز با همه قدرت و اختیاراتی که دارند، ملزم به انجام آیین پیمان بستن با همسر هستند و باید با عمل سوگند خوردن، اصرار خود را برای تحقق این وصلت به اثبات رسانند. حضور بزرگان به عنوان گواهی برای برگزاری آیین زناشویی، اهمیت موضوع را نشان می‌دهد.

چو شه دانست کان تخم برومند      بدو سر درنیارد جز به پیوند  
بسی سوگند خورد و عهدها بست      که بی‌کاوین نیارد سوی او دست  
بزرگان جهان را جمع سازد      به کاوین کردنش گردن فرازد  
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۱۵)

۲۷۳

### پیمان غیرمکتوب

این پیمان‌ها به صورت رسمی در جایی ثبت و ضبط نمی‌شوند و طرفین پیمان با توجه به پیشینه و صبغه فرهنگی که در ارتباط با موضوعی خاص وجود دارد، تن به پیمان می‌دهند و خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند. «اساساً پیمان‌های شفاهی ریشه در اعتقاد و فرهنگ عامیانه مردم دارد و هر دو طرف با آگاهی از مفاد پیمان، اقدام به پیمان بستن می‌کنند» (رحیمی و پناهی، ۱۳۸۶: ۶۴). مفاد پیمان‌های غیرمکتوب بی‌آنکه بازگو و در جایی مکتوب و ضبط شود، از سوی طرفین پذیرفته می‌شود. در خمسه نظامی، این پیمان‌ها متنوع هستند و زیرشاخه‌های متعددی دارند که در این بخش به آنها پرداخته می‌شود.

### پیمان اخلاقی

پیمان‌هایی که مبتنی بر شاخصه‌های اخلاقی شکل می‌گیرند، در استحکام بخشیدن به مناسبات انسانی تأثیرگذار هستند و پویایی یک جامعه را نشان می‌دهند. فراگیری پیمان‌های اخلاقی در یک جامعه بیانگر حضور مردمانی پایبند به اصول انسانی است. در جامعه‌ای که اعضای آن بدون طی مراحل قانونی و مراتب ثبت و ضبط و تنها بر اساس اعتماد و اخلاق حسنه به رتق و فتق امور مختلف می‌پردازند، بزهکاری کاهش پیدا می‌کند و اولویت‌های مردم در سطح بالاتری قرار می‌گیرد. در خمسه نظامی، شرم‌داری یکی از این ویژگی‌هاست. در داستان خسرو و شیرین، هنگامی که شاپور به دستور برادرش، خسرو پرویز راهی ارمنستان می‌شود تا شیرین را بیابد و وی را به پایتخت بیاورد، با دیدن شیرین از توسل به زور منصرف می‌شود. راوی (شاعر) دلیل بروز این کنش را حیا و شرم شاپور به واسطه پیمان با قیصر روم می‌داند و می‌گوید:

از آن او را چنــــــین آزر م دارد      که از پیمان قیصر شرم دارد  
(نظامی، ۱۳۷۸: ۵۵)



نبود عنصر وفاداری در هر پیمان و میثاقی، موجب از بین رفتن آن می‌شود و کارکرد و اثرگذاری‌اش را مختل می‌کند. در صورتی که طرفین قرارداد، نتوانند به تعهدات خود پایبند و وفادار بمانند، نتایج مطلوبی که ممکن است به واسطه عقد پیمان ایجاد شود، تحقق نمی‌یابد. شیرین در نامه‌ای که به خسرو پرویز می‌نویسد، خود را با صفت وفاداری در پیمان معرفی می‌کند و تلویحاً همسرش را که برای کام گفتن از شکر به اصفهان رفته است، پیمان‌شکن و بی‌وفا می‌شمارد. در داستان «نشستن بهرام گور در روز چهارشنبه بر گنبد سیاه» از هفت‌پیکر، روایتی بازگو می‌شود که ضمن آن، بر وفاداری در پیمان‌داری تأکید شده است. از نشانه‌های عینی و ظاهری تعهد به وفاداری در پیمان، دست دادن طرفین با یکدیگر است.

شکر همشیره دندان من شد وفا همشهری پیمان من شد  
(همان: ۳۰۷)

گر وفا می‌کنی بدین فرمان دست عهدی بده بدین پیمان  
گفت ماهان چه جای این سخن‌ست خابن کی سزای سرو بن‌ست؟!  
(نظامی، ۱۳۱۵: ۲۳۶)

### پیمان شهریاری

در این پیمان شاهد بازنمایی کیفیت ارتباط و موضع‌گیری‌های شاه جدید با مردم هستیم. «اولین چیزی که پادشاهان در صدد انجام آن هستند، برقراری پیمان شهریاری است که طی مراسم خاصی انجام می‌شود» (رحیمی و پناهی، ۱۳۸۶: ۶۲). در این مراسم، شاهان سعی می‌کنند رویکردهای خود را برای اداره کشور تبیین کنند و مردم و لشکریان را در جریان امور قرار دهند. معمولاً شاهان جدید در زمان تاج‌گذاری تلاش می‌کنند تصویری مطلوب و آرمانی از خود نشان دهند تا حمایت بی‌چون و چرای عوام و خواص را به دست آورند. بر این پایه، اسکندر مقدونی در سخنرانی‌اش برای لشکریان، خطاب به آنها از راست‌کرداری و راست‌گویی خود در امور حکومتی سخن می‌گوید و بیان می‌دارد که بر اساس پیمان شهریاری که با مردم بسته است، به اموری می‌پرازد که در راستای تحقق خواسته‌های افراد قرار دارد. شاه مقدونی هدف اصلی خود را تأمین رضایت مردم دانسته است. او با این پیمان شفاهی سعی می‌کند به عنوان نیروی مهاجم و شاه بیگانه رضایت مردم ایران را جلب کند و آنها را برای فرمانبرداری ترغیب نماید.

نیک دانید کان چه می‌گویم      راستکاری و راستی گویم  
لیک از راه نیک‌پیمانی      نزر سر سرکشی و سلطانی  
آن کنم من که وفق رای شماس      رای من جستن رضای شماس

(نظامی، ۱۳۱۵: ۸۹)

اسکندر خود را پایند به نیکویی می‌داند و اعلام می‌دارد که واکنش‌های مطلوب یا همراه با خشونت او در امر کشورداری بر اساس کنش‌های مردم تعیین می‌شود. او پاسخ خوبی را با نیکویی و پاسخ بدی را با زشتی خواهد داد و هرگز از عهد و پیمانی که بر زبان جاری کرده است، روی بر نمی‌تابد. اسکندر در این سخنرانی، کلیات خط‌مشی کیفیت شاهی خود را تبیین کرده است.

کسی گو مرا نیک‌خواهی نمود      ز من هیچ بدخواهی او را نبود  
چو دادم کسی را به خود زینهار      نگشتم بر آن گفته زینهار خوار  
زبانم چو بر عهد شد رهنمون      نبردم سر از عهد و پیمان برون

(نظامی، ۱۳۱۶: ۳۶۶)

در جریان پادشاهی خسرو پرویز، راوی به سوگندهای گران شاه جدید در آغاز رسیدن به قدرت اشاره می‌کند و می‌گوید که در اثر پایبندی او به موازین اخلاقی و تلاش برای گسترش دادگستری، آرامش و سکونی در جهان پدید آمد و مردم به واسطه شاهی وی به ثبات رسیدند و خرابی‌ها و آلودگی‌ها رخت بر بست.

سیاست را ز من گردد سزاوار      بر این سوگندهایی خورد بسیار  
چو شه در عدل خود نمود سستی      پدید آمد جهان را تندرستی  
خرابی داشت از کار جهان دست      جهان از دستکار این جهان رست

(نظامی، ۱۳۷۸: ۴۰)

نظامی گنجوی در اقبال‌نامه به شمه کلی حکومت اسکندر و رفتار او با مردم می‌پردازد و تصویری آرمانی از شاه مقدونی ارائه می‌دهد و از خدمات او در این زمینه سخن می‌راند. از دید نظامی، اسکندر بر اساس پیمانی که با مردم بسته بود، رفتاری همراه با عدالت پیشه می‌کند و موجب خرسندی مردم در هر طبقه‌ای می‌شود. برای او اجرای دادگری در اولویت قرار دارد و این موضوع، مهم‌ترین ویژگی پیمان شهریاری وی است.

به کس بر جوی جور نگذاشتی      جهان را به میزان نگه داشتی

اگر پیره‌زن بود و گر طفل خُرد گه دادخواهی بدو راه بُرد  
بدین راستی بود پیمان او که شد هفت‌کشور به فرمان او  
(نظامی، ۱۳۸۸: ۳۶)

### پیمان انگیزی

۲۷۶

اسکندر قبل از رسیدن به شاهی، آموزش‌های بسیاری را از سر گذرانده بود. نظامی اشاره می‌کند که رفتار نیکوی این شاه جوان در امر کشورداری و پابندی او به پیمان‌هایی که بسته بود، از این تعالیم نشأت گرفته است. او از همان ابتدا آموخته بود که چگونه با دوست و دشمن برخورد کند. در روایت ذیل، شاعر به سوگندهای گران استاد اسکندر اشاره می‌کند که به این واسطه با این فرد پیمان ضمنی می‌بندد که اصول اخلاقی را در کشورداری رعایت کند و در این رابطه از زرپرستی پرهیز نماید. او با بیان مجموعه‌ای از جملات انگیزی، شاه جوان را برای گرایش به نیکویی دعوت کرده است.

به روزی که طالع پذیرنده بود نگین سخن مهر گیرنده بود  
به شهزاده بسپرد فرزند را به پیمان درافزود سوگند را  
که چون سر براری به چرخ بلند ز مکتب به میدان جهانی سمند  
سر دشمنان بر زمین آوری جهان زیر مهر نگین آوری  
همایون کنی تخت را زیر تاج فرستندت از هفت کشور خراج  
بر آفاق کشور خدایی کنی جهان در جهان پادشایی کنی  
به یاد آری این درس و تعلیم را پرستش نسازی زر و سیم را  
(نظامی، ۱۳۱۶: ۸۴)

### پیمان همکاری

یکی از پیمان‌های شفاهی که در اسکندرنامه دیده می‌شود، میثاق همکاری میان دو یا چند نفر برای ضربه زدن به طرف مقابل است. چند نفر برای تأمین منافع خود با فرد ذی‌نفع معامله می‌کنند تا رقیب خود را از میان بردارند. در ماجرای حمله اسکندر به ایران و تقابل او با دارا، دو نفر از سرهنگان دارا که به وی خیانت کرده‌اند، نزد اسکندر می‌آیند و بیان می‌دارند که در صورت حمایت شدن قادر به ارائه راهکارهایی هستند که منجر به پیروزی شاه مقدونی می‌شود. اسکندر نیز، با آنها پیمان همکاری می‌بندد.

ز ما هر یکی را توانگر کنی      به زر کار ما هر دو چون زر کنی  
سکندر بدان خواسته عهد بست      به پیمان درخواست داد دست  
(همان: ۱۹۷)

۲۷۷

بر این پایه، انعقاد پیمان همکاری برای حذف فیزیکی دارا شکل می‌گیرد و این دو سرهنگ با ترفندهای مختلف، شاه هخامنشی را با چالش مواجه می‌کنند تا از این طریق، ضمن فراهم کردن بسترهای لازم برای رسیدن اسکندر به قدرت، زمینه‌های دستیابی خودشان را به مناصب مهم کشوری محقق نمایند.

بدین عشوه دادند شه را شکیب      یکی بر دلیری یکی بر فریب  
همان قاصدان نیز کردند جهد      که بر خون او بسته بودند عهد  
(همان: ۲۰۸)

### پیمان صلح و انقیاد

اسکندر در آثار نظامی شاهی مقتدر و صاحب قدرت دانسته شده است. در روایت ذیل، یکی از شخصیت‌ها پیمان می‌بندد که همواره در رکاب شاه حضور داشته باشد و از او امر او تحطی نکند. همچنین، در روایت دوم، دشتبان‌هایی که سودای خیانت در سر دارند با توصیه‌های شاه از کرده خود پشیمان می‌شوند و درصدد جبران خطای خویش برمی‌آیند.

به تعویذ بازو کنم خط شاه      ز بهر سر خویش دارم نگاه  
دهم خط به خون نیز من شاه را      که جز بر وفا نسپرم راه را  
برین عهدشان رفت پیمان بسی      که در بی‌وفایی نکوشد کسی  
نجویند کین تازه دارند مهر      مگر کز روش بازماند سپهر  
(همان: ۳۸۲-۳۸۱)

چو آن دشتبانان شوریده‌راه      شنیدند یک‌یک سخن‌های شاه  
سر از حکم آن داوری تافتند      که آیین خود را چنان یافتند  
به تسلیم گفتند ما بنده‌ایم      به میثاق خسرو شتابنده‌ایم  
(همان: ۴۲۴)

با توجه به کشورگشایی‌های اسکندر و موفقیت‌های نظامی او، کشورهای دیگر از همان ابتدا سعی می‌کنند رضایت شاه مقتدر مقدونی را جلب کنند تا به صلح تن دردهد. توفق‌های نظامی اسکندر باعث شده بود شاهان دیگر، موضع خود را از ابتدا در برابر او مشخص کنند و اظهار

تسلیم و فرمانبرداری نمایند. پیمان صلح به واسطه قدرتمندی یک طرف بر طرف دیگر و ترس مغلوب از غالب تحمیل می‌شده است.

ز دل دامن هفت کشور گذاشت      به هر کشوری نایبی برگماشت  
ملوک طوایف به فرمان او      کمر بسته بر عهد و پیمان او  
به تشریف او سرفراز آمدند      سوی کشور خویش باز آمدند  
(همان: ۵۲۰)

### پیمان زینهارخواهی

امان‌خواهی و درخواست برای حفظ جان یکی از پیمان‌هایی است که در خمسه به آن اشاره شده است. در منظومه لیلی و مجنون، عاشق که در عشق لیلی سر از پای نمی‌شناسد، با نوفل وارد گفتگو می‌شود و با او عهد می‌بندد و به خداوند سوگند یاد می‌کند که در صورت زینهار دادن نوفل، تلاش خواهد کرد خواسته‌های او را برآورده کند. مجنون با استفاده از عناصر دینی درصدد ترغیب مخاطب خود برای تن دادن به این پیمان است تا اهداف آتی خود را (رسیدن به وصال لیلی) تأمین نماید. در این نوع پیمان، به دلیل تفاوت موضع قدرت دو طرف، شاهد کاربست عناصر مقدس دینی از سوی فرد ضعیف‌تر برای جلب رضایت فرد صاحب قدرت هستیم.

نوفل ز نفی زاری او      شد تیز عنان به یاری او  
بخشود بر آن غریب همسال      همسال تهی نه، بلکه هم‌حال  
میثاق نمود و خورد سوگند      اول بی‌خدا دایی خداوند  
وانگه به رسالت رسولش      کایمان‌ده عقل شد قبولش  
کز راه وفا به گنج و شمشیر      کوشم نه چو گرگ، بلکه چون شیر  
(نظامی، ۱۳۱۴: ۱۰۳-۱۰۲)

### پیمان الهی

کسانی که از مسیر الهی خارج می‌شوند، در واقع به میثاق الهی پشت‌پا می‌زنند و از چهارچوب‌های آن عدول می‌کنند. نظامی در مخزن‌الاسرار به مخاطبان خود هشدار می‌دهد که هرگز از پیمان خود با خداوند سرپیچی نکنند؛ زیرا جبران آن امری دشوار است. او بهترین

واکنش را پایبندی به عهد روز الست آدمی با خداوند و گام نهادن در مسیر درستی و راستی می‌داند.

عهد چنان شد که درین تنگنای  
گر شکنی عهد الهی کنون  
تنگدل آیی و شوی باز جای  
جان تو از عهده کی آید برون  
راه چنان رو که ز جان دیده‌ای  
بر دو جهان زن که جهان دیده‌ای  
(نظامی، ۱۳۲۰: ۱۳۷)

### پیمان رازگویی

در یکی از داستان‌های هفت‌پیکر، یکی از زنان بهرام گور داستانی را برای او نقل می‌کند که در آن به پیمان رازگویی میان دو نفر اشاره شده است. منظور از پیمان رازگویی آن است که یک فرد با فرد دیگری پیمان می‌بندد که در صورت افشای رازی مهم، امتیازاتی به فرد افشاکننده بدهد و از حمایت او دریغ نرزد. در روایت ذیل، خواهان با ادای سوگندهای گران، پیمانی شفاهی با فرد رازدار منعقد می‌کند و با تطمیع وی از طریق پرداخت زر و گوهر، برملا شدن راز سر به مهر را درخواست می‌کند.

به خدا و به جان تو سوگند  
قفل گنج گهر بیندازم  
که ازین قفل اگر گشایی بند  
با به افتاد شاه درسازم  
شاه از آنجا که بود در بندش  
چون که دید اعتماد سوگندش  
حال از آن ماه مهربان ننهفت  
گفتنی و نگفتنی همه گفت  
کارزوی تو برفروخت مرا  
آتشنی درفکند و سوخت مرا  
(نظامی، ۱۳۱۵: ۱۸۷-۱۸۶)

### پیمان وفاداری به شاه

شاه در فرهنگ ایرانیان باستان در رأس هرم قدرت قرار دارد و همگان ملزم به اطاعت از او هستند. شاه نمایندهٔ مزدا و یاری‌دهندهٔ نیروهای اهورایی است و باید با اقدامات خود، زمینه‌های لازم را برای پیروزی نهایی حق بر باطل فراهم کند. شاه در ساختار فرهنگی ایرانیان باستان، جایگاهی سیاسی و دینی دارد و شخصیت‌هایی چون جمشید، راهبر سیاسی و ایدئولوژیک مردم بوده‌اند. فرّه ایزدی، کیانی و پادشاهی که به شاهان نسبت داده شده است، ظرفیت‌های معنوی این مقام را نمودار می‌سازد. «به عقیدهٔ ایرانیان، پیوند شاه با مردم، ناگسستنی است.

کشور بی‌پادشاه، پایدار نیست و هرگز روی آرامش به خود نمی‌بیند. هر زمان که تخت ایران بی‌پادشاه مانده، دشمنی در پی آزار برآمده است» (اعتمادمقدم، ۱۳۵۲: ۱۱). بنابراین، هویت و ماهیت مردم با پادشاهان گره خورده است. تحت تأثیر این باور، هنگامی که شاه بیگانه‌ای چون اسکندر بر ایران مسلط می‌شود، باز هم مردم خود را ملزم به اطاعت از او می‌دانند و به مثابه شاهان ایرانی پیشین با شاه مقدونی پیمان وفاداری می‌بندند. حتی در برخی منابع نسب و تباری ایرانی برای اسکندر ساخته شده است تا سلطه او به عنوان شاهی بیگانه و میثاق مردم ایرانشهر با او توجیه‌پذیر شود.

از آن نکته‌ها مردم تیزهوش      پر از لعل و پیروزه کردند گوش  
دعا تازه کردند بر جان او      به جان باز بستند پیمان او  
از آن بردباری کز او یافتند      به فرمان او پاک بشتافتند  
(نظامی، ۱۳۱۶: ۲۵۷)

### نتیجه‌گیری

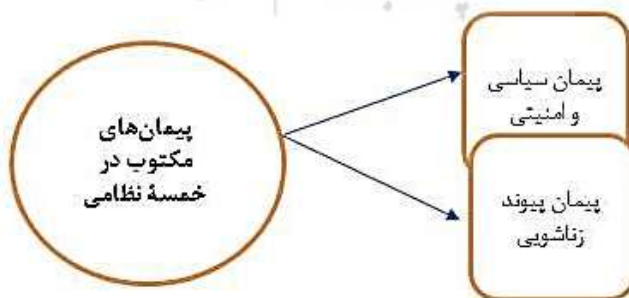
نظامی گنجوی در داستان‌های مختلف از پیمان و کیفیت آن سخن گفته است. یاد کردن سوگند، یکی از بایسته‌های پیمان است و گویی این رسم اجتماعی بدون انجام این عمل، اعتبار خود را از دست می‌دهد. در خمسه با دو دسته کلی از پیمان‌ها مواجه هستیم: ۱. پیمان مکتوب ۲. پیمان شفاهی و کلامی. پیمان‌های مکتوب شامل این زیرمجموعه‌هاست: الف) پیمان سیاسی و امنیتی ب) پیمان پیوند زناشویی. پیمان‌های غیرمکتوب در خمسه از تنوع بیشتری نسبت به نوع مکتوب برخوردار بوده‌اند: الف) پیمان اخلاقی (شرم‌داری و وفاداری) ب) پیمان شهریاری ج) پیمان انگیزشی د) پیمان همکاری ه) پیمان صلح و انقیاد و) پیمان مردم‌داری ز) پیمان زینهارخواهی ح) پیمان الهی ط) پیمان رازگویی ک) پیمان وفاداری به شاه. نظامی سعی کرده است رویکرد خود را در ارتباط با پیمان‌های فردی و گروهی ارتقا بخشد و ابعاد گسترده‌تری از زوایای زندگی بشری را با آن درگیر کند. به این معنا که شاعر پیمان را پدیده‌ای صرفاً اجتماعی تعریف و بازنمایی نمی‌کند و به آن بُعد سیاسی، اخلاقی، فرهنگی، دینی، عرفانی و شناختی می‌بخشد. به این اعتبار، مفهوم پیمان در جهان‌بینی شاعر گنجه‌ای در سطح روساخت متوقف نمی‌شود و لایه‌های ثانویه معنایی را دربر می‌گیرد. به عبارت دیگر، پیمان در خمسه نظامی ضمن آنکه کیفیت مناسبات انسانی را نشان می‌دهد، معناهای دیگری را که کمتر اجتماعی

هستند، به صورت غیرمستقیم در ناخودآگاه طرفین پیمان نهادینه می‌کند. در مجموع، هدف اصلی در پیمان‌های منعقد شده در خمسه نظامی ایجاد نوعی تعادل در زمینه‌های مختلف زندگی بوده است. نوع بشر، پیمان را دست‌مایه‌ای برای انسجام بخشیدن به آشفتگی‌های سیاسی، اخلاقی، فرهنگی، دینی، عرفانی و شناختی قرار داده است و برای تحقق‌بخشی به این هدف، عقوبت و هراسی وجدانی و قانونی را میان پیمان‌شکنان ایجاد کرده است. بنابراین، اصلی‌ترین دستاورد پیمان‌داری در داستان‌های خمسه نظامی، رسیدن به ثبات، سکون و کمال فردی و اجتماعی است.

جدول ۱. گونه‌شناسی پیمان در خمسه نظامی گنجوی

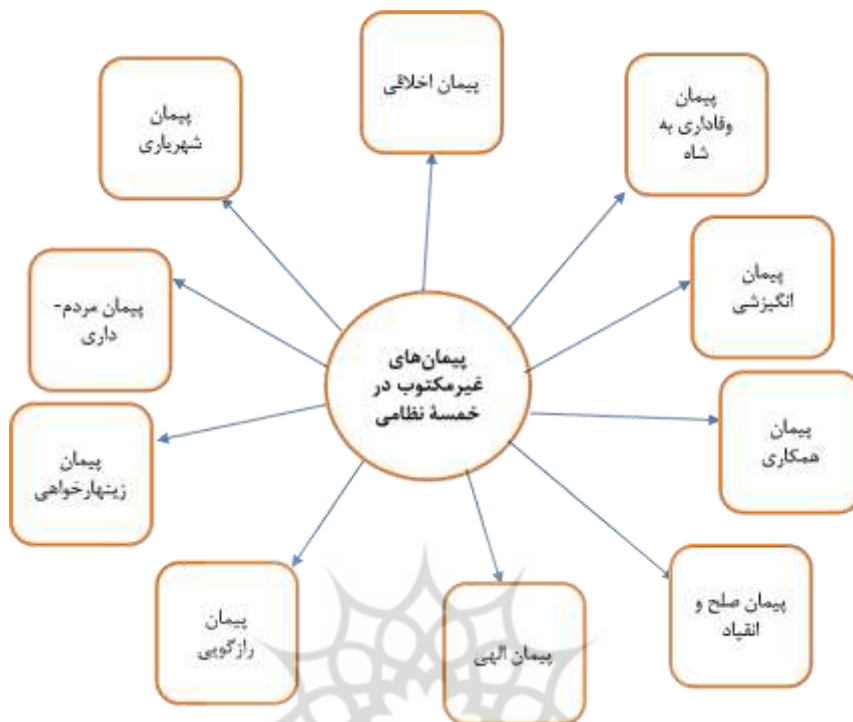
پیمان شفاهی	پیمان مکتوب
الف) پیمان اخلاقی (آزم و وفاداری)	الف) پیمان سیاسی و امنیتی
ب) پیمان شهریاری	ب) پیمان پیوند زناشویی
ج) پیمان انگیزشی	
د) پیمان همکاری	
ه) پیمان صلح و انقیاد	
و) پیمان مردم‌داری	
ز) پیمان زینهارخواهی	
ح) پیمان الهی	
ط) پیمان رازگویی	
ک) پیمان وفاداری به شاه	

نمودار ۱. پیمان‌های مکتوب در خمسه نظامی





## نمودار ۲. پیمان‌های غیرمکتوب در خمسه نظامی



### منابع

### کتاب‌ها

- آموزگار، ژاله (۱۳۹۰) *زبان، فرهنگ و اسطوره*، تهران: معین.
- اعتمادمقدم، علیقلی (۱۳۵۲) *پادشاهی و پادشاهان از دید ایرانیان بر بنیاد شاهنامه فردوسی*، تهران: اداره فرهنگ عامه و وزارت فرهنگ و هنر.
- انوری، حسن (۱۳۸۱) *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱) *آیین مهر*، تهران: بهجت.
- کیانی، حسین (۱۳۷۱) *سوگند در ادب فارسی*، تهران: دانشگاه تهران.
- نظامی، یوسف بن الیاس (۱۳۱۴) *لیلی و مجنون*، به کوشش حسن وحیددستگردی، تهران: ارمغان.

- نظامی، یوسف بن الیاس (۱۳۱۵) *هفت‌بیکر*، به کوشش حسن وحیددستگردی، تهران: ارمغان.
- نظامی، یوسف بن الیاس (۱۳۱۶) *شرف‌نامه*، به کوشش حسن وحیددستگردی، تهران: ارمغان.

نظامی، یوسف بن الیاس (۱۳۲۰) *مخزن‌الاسرار*، به کوشش حسن وحیددستگردی، تهران: ارمغان.

نظامی، یوسف بن الیاس (۱۳۷۸) *خسرو و شیرین*، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.

نظامی، یوسف بن الیاس (۱۳۸۸) *اقبال‌نامه*، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.

هینلز، جان (۱۳۸۵) *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه و آویشن.

## مقالات

آموزگار، ژاله. (۱۳۷۹). *پیمان. بخارا*، (۱۳ و ۱۴)، ۸-۱۷.

جلالی، حسین. (۱۳۹۶). *پژواک ستایش راستی‌گفتار و نکوهش دروغ در نامه باستان و متون اوستایی و پهلوی. زبان و ادبیات فارسی*، ۱۳(۱۱)، ۱۲۰-۱۳۸.

حسام‌پور، سعید، دهقانی، ناهید. (۱۳۸۷). *بررسی تحلیلی گونه‌های پیمان و سوگند در شاهنامه فردوسی. پژوهشنامه ادب غنایی*، ۶(۱۱)، ۳۷-۶۶. doi: 10.22111/jllr.2008.919

دشتی، نصرالله، رضائی، مهدی. (۱۳۹۸). *بررسی ساختار پیمان‌ها در آثار حماسی و پیوند آن با باورهای اسطوره‌ای و دینی. پژوهشنامه ادب حماسی (فرهنگ و ادب سابق)*، ۱۵(۱)، ۱۱۹-۱۴۷. doi: 20.1001.1.23225793.1398.15.1.5.2

رحیمی، سید مهدی، پناهی، نعمت‌الله. (۱۳۸۶). *پیمان و پیمان‌داری در شاهنامه فردوسی. نامه پارسی*، ۱۲(۲ و ۱)، ۷۳-۵۷.

عریان، سعید. (۱۳۷۸). *آفرین پیمان پهلوان یا پیمان کد خدایی. متن پژوهی ادبی*، ۴(۹.۱۰)، ۴۹-۶۰. doi: 10.22054/ltr.2000.6205

نوید بازرگان، محمد، خادم ازغدی، مریم. (۱۳۹۲). «*اخلاق زناشویی*» در شاهنامه فردوسی و بررسی ریشه‌های آن در متون کهن. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۸(۱)، ۱۳۱-۱۴۵.

## Reference

### Books

- Amoozgar, Jaleh (2011) *Language, Culture and Myth*, Tehran: Moein.  
Anvari, Hassan (2002) *Farhang Bozorg Sokhan*, Tehran: Sokhan.  
Dekhoda, AliAkbar (1998) *Dictionary*, Tehran: University of Tehran.  
Etemad Moghaddam, Aligholi (1973) *Kingdom and Kings from the Iranian Point of View Based on Ferdowsi Shahnameh*, Tehran: Department of Public Culture and Ministry of Culture and Arts.

Hinels, John (2006) *Understanding Iranian Mythology*, Trans. Jaleh Amoozgar and Ahmad Tafazoli, Tehran: Cheshmeh va Avishan.

Kiani, Hossein (1992) *Oath in Persian Literature*, Tehran: University of Tehran.

Nezami, Yousef Ibn Elias (1935) *Leily and Majnoon*, by Hassan Vahid Dastgerdi, Tehran: Armaghan.

Nezami, Yousef Ibn Elias (1936) *Haft Peykar*, by Hassan Vahid Dastgerdi, Tehran: Armaghan.

Nezami, Yousef Ibn Elias (1937) *SharafNameh*, by Hassan Vahid Dastgerdi, Tehran: Armaghan.

Nezami, Yousef Ibn Elias (1941) *Makhzan al asrar*, by Hassan Vahid Dastgerdi, Tehran: Armaghan.

Nezami, Yousef Ibn Elias (1999) *Khosrow and Shirin*, by Saeed Hamidian, Tehran: Qatreh.

Nezami, Yousef Ibn Elias (2009) *IqbalNameh*, by Saeed Hamidian, Tehran: Qatreh.

Razi, Hashem (2002) *Religion of Mehr*, Tehran: Behjat.

#### Articles

Amoozgar, J. (2000). Peyman. *Bukhara*, (13 and 14), 8-17.

Dashti, N.A., Rezaei, M. (2019). The Structure of the Promises in the Epics. *The Journal of Epicliterature*, 15(1), 119-147. doi: 20.1001.1.23225793.1398.15.1.5.2.

Hesampour, S., Deghani, N. (2008). Analytical Study of Different Vows and Pledges in Shahnama-e- Firdousi. *Lyrical Literature Researches*, 6(11), 37-66. doi: 10.22111/jllr.2008.919.

Jalali, H. (2016). Echoes of the Culture of Covenant and Contract in Shahnameh and Avesta and Pahlavi Texts. *Persian Language and Literature*, 13(11), 120-138.

Navid Bazargan, M., Khadem Azghadi, M. (2014). Ethics of a Married Life in rrr wwwi's hhhmmmm ddd Invsstigtg its Roots in Aiii -- t Ttxt.. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 5(18), 131-145.

Oryan, S. (2000). Champion Treaty or The Treaty of Village master. *Literary Text Research*, 4(9.10), 49-60. doi: 10.22054/ltr.2000.6205.

Rahimi, S.M., Panahi, N. (2007). Contract and Loyalty to Covenant in Ferdowsi Shahnameh. *Persian Letter*, 12(1 and 2), 57-73.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)  
Volume 15, Number 56, Winter 2022, pp. 266-285  
Date of receipt: 27/1/2021, Date of acceptance: 23/6/2021  
(Research Article)  
DOI: [10.30495/dk.2021.1921862.2191](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1921862.2191)

## A Study of the Typology of the Treaty and the Representation of its Functions in Nezami Ganjavi's *Khamseh* Samane Vatandoost<sup>1</sup>, Dr. Hassan Basak<sup>2</sup>, Dr. Reza Ashrafzadeh<sup>3</sup>

### Abstract

Khamseh of Nezami Ganjavi includes various collections in the types of lyrical, mystical, moral, etc. literature. In each of the works, the poet deals with issues according to the audience's understanding and insight and describes some of the beliefs and rituals of human society, especially Iran. One of these rituals is covenanting and swearing, which sometimes has a two-dimensional aspect in the military intellectual structure and sometimes stops at the superstructure level. In the present study, with reference to library resources and descriptive-analytical method, the types of treaties and their functions in Khamseh of Nezami have been explored and studied. The results show that at a general glance, treaties are divided into written and unwritten categories. The written form includes a political and security pact, a marriage pact and a pact to retain power. The unwritten type has sub-branches which are: moral covenant (shame and loyalty), princely pact, motivational pact, cooperation pact, peace and subjugation pact, democracy pact, covenant pact, divine pact, secret pact and a pact of allegiance to the king. The diversity that exists in this category confirms that the pact in Khamseh of Nezami is beyond a purely social matter, and the categories of cognition and knowledge, moral and educational, political and security, religious and doctrinal, etc. are tied to it.

**Keywords:** Nezami Ganjavi, Khamseh, Peyman, Oath, Types and Functions.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. samanevatandoust@gmail.com

<sup>2</sup> . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding author) bassak@pnu.ac.ir

<sup>3</sup> . Professor of the Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. dr.reza.ashrafzadeh@gmail.com